

چالش های قانونی اعطای تابعیت به فرزندان دارای مادر ایرانی و پدر خارجی (با عنایت به لایحه مصوب ۱۳ آبان ۱۳۹۷)

سارا رستمی^۱

^۱استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور واحد ماهدشت استان البرز، ایران، تهران

نویسنده مسئول:

سارا رستمی

مجله علمی پژوهش در حقوق، فقه، فلسفه و الهیات (سال پنجم)
شماره ۱۵ / بهار ۱۳۹۸ / ص ۱-۱۳

چکیده

عامل دستیابی و برخورداری از حقوق اجتماعی برای کودکان بی هویت، شناسنامه می باشد و عدم آن مشکلاتی را بدنبال دارد. در سالهای اخیر ازدواج اتباع بیگانه با زنان ایرانی، جامعه را با پدیده کودکان بی سرپرست و فاقد شناسنامه و هر گونه اوراق هویتی روبرو کرده است. این کودکان از نظر حقوقی، تابع دولت متبوع پدر محسوب می شوند و شناسنامه آنها باید طبق قوانین دولت متبوع پدر صادر شود. برای مشکل بی تابعیتی، قانونی با عنوان (قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی) مصوب ۱۳۸۵ تصویب شد. این قانون تا رسیدن این کودکان به سن ۱۸ سال کارایی کاملی ندارد و تدابیر حمایتی جدی برای آنان پیش بینی نشده است. قانونگذار با ایجاد تغییراتی در قانون مدنی و حفظ تابعیت ایرانی برای زنان ایرانی، در صورت ازدواج با اتباع خارجی و توسعه اصل خون به مادران ایرانی، مانع از پیدایش پدیده ای به نام کودکان بدون مدارک شناسایی می شود. هدف از نگارش این مقاله راهکارهای اعطای تابعیت به فرزندان دارای مادر ایرانی و پدر خارجی با تصویب لایحه مصوب ۱۳ آبان ۱۳۹۷ و اینکه فرزندان زیر ۱۸ سال می توانند با تقاضای مادر ایرانی خود به تابعیت ایران در آیند.

واژگان کلیدی: بی تابعیت، کودکان، ازدواج، زن ایرانی، مرد خارجی.

مقدمه

حقوق کودکان به عنوان یکی از بنیادی ترین مبانی حقوق بشر می باشد. حمایت از کودکان در جامعه باید متناسب با نیازشان باشد کنوانسیون حقوق کودک^۱ بر حق هویت و تابعیت کودکان تاکید نموده و هیچ کس نباید بدون تابعیت بماند یکی از مسائل بحث برانگیز جامعه مسئله تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زن ایرانی با اتباع خارجی (بخصوص مرد افغانی) می باشد. با اینکه در کنوانسیون حقوق کودک و حقوق بشر قوانین اسناد دیگر بر هویت و تابعیت تاکید شده است. کودکان حاصل از ازدواج زن ایرانی با مرد خارجی با مشکلات عدیده ای در زمینه هویت و تابعیت و همچنین بهره مندی از حقوق شهروندی در جامعه مواجه هستند. طبق ماده ۹۸۷ قانون مدنی، زن ایرانی مجاز به ازدواج با تبعه خارجی بوده و با وقوع این امر، آثار حقوقی متعددی نیز بر احوال شخصیه وی مترتب می گردد. در اثر ازدواج زن ایرانی با تبعه فوق، تابعیت ایرانی نامبرده به قوت خود باقی خواهد ماند مگر آنکه طبق قانون دولت متبوع شوهر، تابعیت این کشور به واسطه وقوع عقد به زوجه تحمیل گردد. با این وجود متعاقب فوت شوهر و با اختلاف بین آنها، با تقدیم درخواست به وزارت امور خارجه به انضمام ورقه تصدیق فوت شوهر با سند جدایی و متارکه، تابعیت نخستین (ایرانی) زن با کلیه حقوق و امتیازات مربوطه مجدداً به او تعلق خواهد گرفت. (حجتی اشرفی، ۱۳۹۰: ۱۴۷).

یکی دیگر از معضلات این پدیده، به جا ماندن کودکان بی هویت است. بر اساس بند ۵ ماده ۹۷۶ قانون مدنی در صورت قانونی بودن ورود مرد به کشور، فرزندان حاصل از ازدواج او، در سن هجده سالگی می توانند شناسنامه ایرانی دریافت کنند. در صورتی که یکی از شرایط گرفتن تابعیت در ایران ثبت ازدواج والدین است و برای ثبت این نوع ازدواج ها، ارائه مدارک هویتی پدر نیاز است و بسیاری از ازدواجهای دختران ایرانی با مرد خارجی، باعث ایجاد مشکلاتی برای فرزندان آنها می شود. ولی در اسلام و اسناد بین المللی از جمله کنوانسیون حقوق کودک مورد حمایت قرار می گیرند. (مجموعه مقالات دفاع از حقوق زنان، ۱۳۸۰: ۸۷).

در این میان دو معضل بزرگ پیش روی جامعه قرار گرفته که عبارتند از هویت فرزندان اتباع غیر قانونی و هویت فرزندان اتباعی که به کشور خود بر می گردند. در ماده ۱۰۶۰ قانون مدنی بیان شده که ازدواج اتباع خارجی با زنان ایرانی باید با اطلاع دولت باشد اما متأسفانه ورود غیر مجاز اتباع خارجی و نیز عدم آگاهی، فقر اجتماعی، فرهنگی و مادی، سوءاستفاده از احساسات خانواده ها... باعث شده که بسیاری از ازدواج ها در این چهارچوب قانونی صورت نپذیرد و بسیاری از زنان به ازدواج با اتباع بیگانه تن دهند و در نتیجه بواسطه در اختیار نداشتن مدرک رسمی و قانونی زوجین برای اثبات زوجیت خود، عدم امکان پیگیری مسائل حقوقی واقعه دعوی از سوی زوجه علیه زوج از جمله طلاق، سوء استفاده برخی از اتباع خارجی و مهم تر از همه عدم صدور شناسنامه برای فرزندان ناشی از این ازدواج ها عملاً باعث بروز مشکلاتی در جامعه خواهند شد. (همان).

این کودکان بدون شناسنامه که به حکم اجبار عنوان کودکان بی هویت را یدک می کشند، هم آسیب دیده و هم آسیب زا هستند. ایران در سال ۱۹۵۴ به کنوانسیون حقوق پناهندگان ۱۹۵۱ و سپس به کنوانسیون الحاقی ۱۹۶۷ پیوسته است و پس از انقلاب اسلامی نیز به آن پایبند بوده است گفت: هیئت وزیران در حوزه آموزش کودکان پناهنده در ۱۴ مرداد ۱۳۵۹ تصویب کرد که فرزندان پناهندگان دارای دفترچه پناهندگی در مدارس پذیرفته شوند و در سال ۱۳۸۰ نیز تصویب شد که فرزندان پناهجویان که کارت اقامت ندارند و یا به علت شغل پدرشان باید جابجا شوند ثبت نامشان در مدارس مجاز است. (موسوی، ۱۳۹۵: ۱۴).

۱-۱-تابعیت

تعریف تابعیت: «تعلق حقوقی شخص به جمعیت تشکیل دولت» می باشد. داشتن تابعیت یک کشور به معنای آن است که شرایط قانونی آن کشور درباره شخص جمع است. به این ترتیب، رابطه تابعیت میان فرد و دولت رابطه ای است قانونی که سبب می گردد فرد در شمار اعضای جمعیت تشکیل دهنده دولت در یک سرزمین محسوب شود (جعفری لنگرودی، ۱۳۷۸: ۵۲).

۱-۱-۱-تابعیت ایران به عنوان حق مسلم هر ایرانی در قانون اساسی

با عنایت به اینکه تابعیت رابطه حقوقی و سیاسی که فردی را بدولتی مربوط می کند و تعیین این که چه کسی بیگانه و چه کسی خودی است باید دید در قوانین کشورهای مختلف و در ایران در موضوع تابعیت از چه اصولی پیروی شده یا می شود. هر گاه قوانین کشورهای مختلفه مطالعه گردد معلوم خواهد شد که بطور کلی سه اصل در آنها دیده میشود:

اصل اول: هر فردی از افراد باید دارای یک تابعیت باشد بطوری که کسی بدون تابعیت نباشد. اصل دوم: هر فردی بمحض تولد باید

دارای تابعیت کشور معینی باشد. اصل سوم: هر کس می تواند بر طبق شرایطی تابعیت اصلی خود را ترک کند و تابعیت کشور دیگری را تحصیل نماید. (آل کجیاف، ۱۳۹۶: ۸۷).

اصل چهل و یکم: تابعیت کشور ایرن حق مسلم هر فرد ایرانی است و دولت نمی تواند از هیچ ایرانی سلب تابعیت کند، مگر به درخواست خود او یا در صورتیکه به تابعیت کشور دیگری در آید. (منصور، ۱۳۹۳: ۸۷).

اصل چهل و دوم: اتباع خارجه می توانند در حدود قوانین به تابعیت ایران در آیند و سلب تابعیت اینگونه اشخاص در صورتی ممکن است که دولت دیگری تابعیت آنها را بپذیرد یا خود آنها درخواست کنند. (منصور، ۱۳۹۳: ۸۷).

۲-۱-۱-۱-۲ احراز یا کسب تابعیت ایران طبق قانون مدنی

ماده ۹۷۶ قانون مدنی در خصوص اینکه چه کسانی ایرانی هستند و یا می توانند تابعیت ایرانی را کسب کنند هفت گروه را بر شمرده است: اول، همه ساکنان ایران به استثنای اشخاصی که تبعیت خارجی آنها مسلم است، دوم کسانی که پدر آنها ایرانی است (اعم از این که در ایران متولد شده باشند یا در خارج کشور)، سوم کسانی که در ایران متولد شده اند و پدر و مادر نامعلوم دارند، چهارم، کسانی که در ایران از پدر و مادر خارجی (که یکی از آنها در ایران متولد شده اند) به وجود آمده اند، پنجم، کسانی که در ایران از پدری خارجی متولد شده اند و بلافاصله پس از رسیدن به ۱۸ سال تمام دست کم یک سال دیگر هم در ایران اقامت داشته اند، ششم، هر زن خارجی که شوهر ایرانی اختیار کرده و هفتم، هر تبعه خارجی که تابعیت ایران را کسب کرده است، جزو اتباع ایرانی شناخته می شوند (نجدعلی، ۱۳۷۰: ۶۷).

لازم به ذکر است براساس بند ۲ ماده ۹۷۶ قانون مدنی ایران کسی که پدرش ایرانی است، ایرانی می ماند. (در هر کجا از کره خاکی که به دنیا بیاید) به عبارتی دیگر تابعیت ایرانی از طریق مادر به فرزندان متولد شده در ایران منتقل نمی شود و حقوق بین الملل خصوصی ایران اعطای تابعیت از طریق سیستم خون را بواسطه مادر نمی پذیرد. با دقت در مفاد بندهای ماده ۹۷۶ قانون مدنی این سوال مطرح می شود که چگونه می توان پذیرفت که قانون گذار در بند ۳ کودکانی که پدر و مادر نامعلوم دارند (مانند نوزادان سرراهی) را ایرانی بر شمرده و در بند ۴ کودکانی را که از پدر و مادر خارجی (به شرط تولد یکی از آنها در ایران) تبعه ایران می داند اما کودکی را که از مادر ایرانی که در ایران متولد شده است را ایرانی نمی داند؟ چنین امری کاملاً غیر منطقی به نظر می رسد. و به استناد بند ۴ ماده ۹۷۶ قطعاً طفل متولد در ایران از پدر خارجی و مادر ایرانی و متولد در ایران، ایرانی محسوب می شوند. (قربان نیا، ۱۳۹۰: ۹۸).

بنا بر نظر اداره حقوقی قوه قضاییه اصولاً قید خارجی بودن ابوبن در بند ۴ خصوصیتی ندارد و اصل بر آن بوده است که یکی از ابوبن در ایران متولد شده باشند، که در خصوص این کودکان مادر آنان علاوه بر آن که در ایران متولد شده است. دارای تابعیت اصلی ایرانی نیز می باشد. پس بنابراین بر اساس بند ۴ ماده ۹۷۶: (کسانی که در ایران از پدر و مادر خارجی که یکی از آنها در ایران متولد شده و بوجود آمده اند) تبعه ایران محسوب می شوند. (حجتی اشرفی، ۱۳۹۰: ۱۴۷).

۲-۱-۲ آثار بی تابعیتی

اشخاص بدون تابعیت، افرادی هستند که هیچ یک از دولت ها طبق قوانین و مقررات خود آنها را تبعه خود نمی داند. گرچه یکی از اصول تابعیت، این است که هر فردی باید دارای تابعیت باشد یعنی نفی بی تابعیتی، ولی در برخی از موارد ممکن است افراد بدون تابعیت گردند. در حقوق بین الملل تابعیت یک حق و اعطای آن از جانب حکومت و دولت یک تکلیف است، بی تابعیتی باعث خواهد شد تا فرد فاقد ملیت، از خدمات سیاسی و حقوقی لازم برخوردار نبوده و مشکلات عدیده ای را در خصوص اقدامات حقوقی پیش رو داشته باشد. (آل کجیاف، ۱۳۹۶: ۹۵).

در معاهده ۱۹۵۱ ژنو در مورد اشخاص بدون تابعیت چنین مقرر گردیده: «اشخاص بدون تابعیت اشخاصی هستند که هیچ یک از کشورها طبق قوانین خود، آنها را تبعه خود ندانسته و با آنها همانند آورگان رفتار می گردد. (امیر ارجمند، ۱۳۸۶: ۱۲۳).

چنانچه شخصی تابعیت هیچ دولتی را نداشته باشد، او را بی تابعیت یا آپاترید می نامند. تابعیت مابین یک فرد و یک دولت محقق می شود بنابر این وجود شخص حقیقی یا حقوقی و یک دولت و نیز وجود رابطه تبعیت فرد از دولت که به منظور حمایت از وی است ضروری است.^۲ (تدوین و تنقیح قوانین و مقررات، ۱۳۸۵: ۵۹).

^۲ - <http://pajoohi.ir/Apatride-a43629.aspx>

۱-۲-۱- مهاجرت و پناهندگی

در اثر مهاجرت یا پناهندگی ممکن است شخصی تابعیت کشور اولیه خود را از دست بدهد بدون آنکه تابعیت دولت جدیدی را کسب کرده باشد در نتیجه بدون تابعیت می ماند به عنوان مثال در بعضی کشورها مثل آلمان چنانچه اتباع آن ها به دولت های خارجی پناهنده شوند تابعیت آلمانی آن ها سلب می شود حال اگر کشوری که به آن پناهنده شده اند به آن ها تابعیت اعطا نکند بدون تابعیت می ماند (نصیری، ۱۳۴۳: ۸۹).

۱-۲-۲- مجازات

در گذشته، سلب تابعیت به عنوان مجازات اعمال می شد، و مبنای آن را هم تقصیر تبعه دانسته و می گفتند تبعه ای که رفتارش با بقای تابعیت سازگاری ندارد باید از او سلب تابعیت شود؛ اما امروزه با حاکم شدن اصول و قواعد مربوط به تابعیت در نظام حقوقی دولت ها این امر کاهش یافته است. (همان).

۱-۲-۳- بی تابعیتی ناشی از ازدواج

در زمینه بی تابعیتی ناشی از ازدواج دو نظر وجود دارد: کسانی که معتقد به وحدت تابعیت زن و شوهر هستند و کسانی که استقلال تابعیت زوجین را پذیرفته اند. این امر باعث شده که قوانین مختلفی در خصوص تابعیت زنان در اثر ازدواج وجود داشته باشد و بعضاً منجر به بی تابعیتی زن شود. به عنوان مثال اگر قانون دولت متبوع زن تابعیت وی را به علت ازدواج با مرد بیگانه از وی سلب کند و قانون دولت متبوع همسرش اجازه کسب تابعیت دولت متبوع شوهر را به زن ندهد در این حالت زن بی تابعیت خواهد ماند (نشریه دانشکده حقوق شهید بهشتی، ۱۳۵۶: ۱۵۶).

۱-۳- آثار سوء بی تابعیتی

بی تابعیتی دارای آثار سوء بوده و مشکلات عدیده ای را برای شخص به وجود می آورد که این مشکلات عبارتند از:

۱-۳-۱- محرومیت از حقوق اجتماعی

شخصی که تابعیت هیچ کشوری را نداشته باشد، در هیچ کشوری از حقوق اجتماعی (اصل ۲۹) از قبیل: انتخاب شغل، (اصل ۲۸)، انتخاب مسکن، (اصل ۳۱)، (عباسی، ۱۳۹۰: ۴۰) انتخاب همسر و دیگر حقوق فردی بهره مند نخواهد گردید. تمام قوانین کشورهای دنیا، اتباع رسمی کشور متبوع خود را از حقوق اجتماعی بهره مند خواهند کرد و شخصی که دارای تابعیت آن کشور نباشد حق بهره مند شدن از حقوق اجتماعی را ندارد. (سلجوقی، ۱۳۸۴: ۱۲۵).

۱-۳-۲- محرومیت از حقوق سیاسی

در بیشتر کشورهای دنیا، بهره مندی از حقوق سیاسی از قبیل: حق انتخاب کردن و انتخاب شدن را، (اصل ۶) از حقوق اتباع خود می دانند و شخصی که بدون تابعیت است حق شرکت در انتخابات را نداشته و هیچگونه حقوق سیاسی (اصل ۲۶) برای وی متصور نیست. (ارفع نیا و سلجوقی، ۱۳۸۵ و ۱۳۸۴: ۶۵ و ۱۹۶).

۱-۳-۳- عدم حمایت سیاسی کشورها از شخص بدون تابعیت

چنانچه برای فرد بدون تابعیت مشکل حقوقی پیش آید که مستلزم حمایت دولت متبوع باشد هیچ کشوری از وی حمایت نمی نماید و این فرد دچار مشکل خواهد شد. مثلاً چنانچه مسأله ای در خصوص احوال شخصیه برای افراد بدون تابعیت پیش آید مشخص نیست که احوال شخصیه این افراد تابع قوانین و مقررات کدام کشور خواهد بود. (آل کجیاف، ۱۳۹۶: ۸۷).

۱-۴- راهکار قانونی جهت بی تابعیتی

۱-۴-۱- لزوم ثبت ازدواج در قانون ایران

به موجب ماده یک قانون ثبت احوال مصوب ۱۳۵۵ یکی از وظایف سازمان ثبت احوال، ثبت ولادت و صدور شناسنامه است و مقنن در این مورد بین اطفال متولد از رابطه مشروع و نا مشروع تفاوتی قائل نشده (جعفری لنگرودی، ۱۳۵۶: ۲۷). و تبصره ماده ۱۶ و ۱۷ قانون

مذکور نسبت به مواردی که ازدواج پدر و مادر به ثبت نرسیده باشد، تعیین تکلیف کرده است. لیکن در مواردی که طفل ناشی از زنا باشد و زانی اقدام به اخذ شناسنامه نماید با استفاده از عمومات و اطلاق مواد یاد شده و مسئله ۳ و ۴۷ از موازین قضایی از دیدگاه حضرت امام خمینی (ره) زانی پدر عرفی طفل تلقی و نتیجه اینکه کلیه تکالیف مربوط به پدر از جمله اخذ شناسنامه بر عهده وی می باشد و صرفاً بر اساس ماده ۸۸۴ ق مدنی، صرفاً موضوع توارث بین آنها منتفی است. (شهری، ۱۳۸۴: ۹۹۲).

ولادت هر طفل در ایران اعم از اینکه پدر و مادر طفل ایرانی یا خارجی باشند باید به نماینده یا مامور ثبت احوال اعلام شود و ولادت اطفال ایرانیان مقیم خارج از کشور به مامور کنسولی ایران در محل اقامت و اگر نباشد به نزدیکترین مامور کنسولی و یا به سازمان ثبت احوال کشور اعلام شود (منصور، ۱۳۸۸: ۲۵۸).

بر طبق ماده ۶۴۵ قانون مجازات اسلامی: به منظور حفظ کیان خانواده ثبت ازدواج دائم، طلاق و رجوع طبق مقررات الزامی است، چنانچه مردی بدون ثبت در دفاتر رسمی مبادرت به ازدواج دائم، طلاق رجوع نماید به مجازات حبس تعزیری تا یکسال محکوم می گردد (گلدوزیان، ۱۳۸۹: ۳۸۰).

۱-۵- راهکارهای حقوقی ازدواج زن ایرانی با مرد خارجی

۱-۵-۱- آثار ازدواج بر احوال شخصیه

طبق ماده ۹۸۷ قانون مدنی، زنان ایرانی مجاز به ازدواج با اتباع خارجی هستند اما ازدواج به این ترتیب دارای آثار متعددی، از جمله تبدیل تابعیت آنها به تابعیت دولت متبوع همسر، محدودیت در حق مالکیت آنان نسبت به اموال غیرمنقول، امکان تحصیل تابعیت همسرشان و به طور کلی آثار متعددی از لحاظ حقوقی بر زن خواهد داشت^۳ (قربان نیا، ۱۳۹۰: ۹۴).

طبق ماده ۹۸۷ قانون مدنی، زن ایرانی مجاز به ازدواج با تبعه خارجی بوده و با وقوع این امر، آثار حقوقی متعددی نیز بر احوال شخصیه او مترتب می شود و در اثر ازدواج زن ایرانی با تبعه خارجی، تابعیت ایرانی زن به قوت خود باقی خواهد ماند، مگر آنکه مطابق قانون دولت متبوع شوهر، تابعیت این کشور به واسطه وقوع عقد به زن تحمیل شود. باوجود این، متعاقب فوت شوهر یا جدایی با تقدیم درخواست به وزارت امور خارجه، به انضمام برگ تصدیق فوت شوهر یا سند جدایی و تارکه، تابعیت نخستین (ایرانی) زن با کلیه حقوق و امتیازات مربوطه، مجدداً به او تعلق خواهد گرفت^۴.

۱-۵-۲- امکان ازدواج زن ایرانی با مرد خارجی در قانون ایران

امکان ازدواج زن ایرانی با تبعه خارجی در قوانین ایران پیش‌بینی شده است. برطبق ماده ۹۸۷ قانون مدنی، زن ایرانی مجاز به ازدواج با تبعه خارجی است و بر طبق ماده ۱۰۵۹ قانون مدنی ازدواج مرد خارجی با زن ایرانی منوط به مسلمان شدن وی و سپس، کسب اجازه مخصوص از طرف دولت است. ازدواج مزبور در صورت عدم تحصیل اجازه از دولت، به لحاظ شرعی صحیح بوده و آثار نکاح بر آن مترتب است. لکن این اقدام مستوجب مسئولیت و قابل پیگرد خواهد بود. (مرندی، ۱۳۹۵: ۲۴۹).

۱-۵-۳- ازدواج زنان ایرانی با اتباع خارجی از نگاه قوانین

هنگامی که زن ایرانی به عقد ازدواج مردی از اتباع بیگانه درمی آید، در صورتی که قانون کشور متبوع شوهر، تابعیت را تحمیل کند، زن نیز به تابعیت آن کشور درخواهد آمد و در غیر این صورت، تابعیت او تغییری نخواهد کرد.

بیشتر این افراد به دلیل فقر و البته نداشتن آگاهی‌های حقوقی، به چنین ازدواجی مبادرت کرده‌اند به نظر می‌رسد مشکلاتی که در این حوزه اغلب مشاهده می‌شود ناشی از کم توجهی به قوانین این بخش است، مشاور معاون حقوقی قوه قضاییه، در خصوص مشکلات زنان ایرانی که بدون کسب مجوز قانونی از وزارت کشور با اتباع بیگانه ازدواج کرده‌اند، معتقد است: بیشتر این افراد به دلیل فقر و البته نداشتن آگاهی‌های حقوقی، به چنین ازدواجی مبادرت کرده‌اند (مجموعه مقالات دفاع از حقوق زنان، ۱۳۸۰: ۸۷).

^۳- <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1396/02/04/1388101>

۱-۵-۴- پیامد ازدواج غیر قانونی زن ایرانی با مرد خارجی

یکی از تبعات ناشی از ازدواج زنان ایرانی با اتباع بیگانه وجود کودکان بی هویت است. کودکانی که حتی چنانچه در ایران متولد شده اند، بیگانه تلقی می شوند. چنانچه اگر به کشور متبوع پدرشان بروند دیگر امکان بازگشت به ایران توسط مادرانشان را ندارند و در ایران به آنها اجازه ورود نمی دهند. در واقع با ازدواج غیر قانونی زنان ایرانی با اتباع بیگانه کودکان آنها از کمترین حقوق یک انسان از جمله داشتن شناسنامه و هویت، تحصیل و کسب علم، ازدواج، تحصیل مال و داشتن شغل مناسب و جایگاه اجتماعی و فرهنگی و حتی در احقاق حقوق از دست رفته و مراجعه به قانون را ندارند. در واقع عدم به رسمیت شناختن ازدواج والدین این فرزندان از سوی قانونگذار سبب شده این فرزندان را به رسمیت نشناخته و در واقع این کودکان تابعیت ایرانی ندارند، و به همین دلیل این کودکان بیگانه تلقی می شوند و از خدمات درمانی و سایر امکانات بهداشتی محروم هستند و حتی به دلیل بی سواد و فقدان اسناد هویتی این کودکان در اکثر موارد بیکار هستند یا در مشاغل کم درآمد مشغول می باشند و حتی این فرزندان به نوعی از ارث نیز محروم هستند و از نظر قانونی وارث شناختن فرزندان حاصل از این ازدواج امری غیر مجاز و ممنوع می باشد. چراغی به نقل از: (سعیدی نژاد، ۱۳۹۲: ص ۶۲). که متأسفانه فرزندان حاصل از این ازدواج قربانیان این اتفاق هستند. (کسای زاده، ۱۳۹۵: ۵۴).

اگر زنی بدون اجازه دولت، شوهر خارجی اختیار کند، این ازدواج از سوی دولت ایران اعتباری ندارد. و ازدواج بدون اجازه دولت اگرچه از لحاظ شرعی باطل نیست، اما از نظر قانونی تخلف است، چرا که ازدواج بر خلاف مقررات صورت گرفته است. بنابراین دادگاه ها در صورت بروز مشکل، دیگر کاری با این ازدواج ندارند و اگر زن ایرانی بخواهد از همسر خود جدا شود، دولت ایران نمی تواند از حقوق وی حمایتی کند.^۴

۲-۱- علل و پیامدهای ازدواج زن ایرانی با مرد خارجی

یکی از مسائلی که متعاقب اقامت بیگانگان در هر جامعه ای پیش می آید، ازدواج آنها با اتباع کشور پذیرنده است. در صورتی که ازدواجی طبق مقررات قانونی صورت گیرد مشکلی ایجاد نخواهد کرد. اما اگر قاعده ای را که در این خصوص وضع شده است. رعایت ننمایند، مسائل و دعاوی حقوقی متعددی بوجود می آید. اطلاعات و نیروی انتظامی استان و اخذ موافقت ادارات مذکور، پروانه زناشویی با امضاء استاندارد که از طرف وزارت کشور امضاء می نماید در هفت نسخه صادر می گردد. برگه اول پروانه که بدون رونوشت می باشد به متقاضی تحویل تا جهت اخذ پروانه اقامتی ازدواجی به نیروی انتظامی استان مراجعه و پس از اخذ پروانه مذکور هر دو پروانه را (پروانه زناشویی و پروانه اقامت ازدواجی) به عاقد ارائه و عقد رسمی انجام می پذیرد. شش برگ دیگر طی رونوشتی به اداره ثبت احوال، اداره اطلاعات، نیروی انتظامی، وزارت کشور، وزارت امور خارجه ارسال می گردد و یک نسخه نیز در پرونده مربوطه در استانداری نگهدار می شود. (مرندی، ۱۳۹۵: ۲۴۹).

اما ازدواج زنان ایرانی با اتباع خارجی با توجه به روند رو به رشد اشتغال و رفاه برای مهاجران در ایران جای مطالعه دارد، این قبیل ازدواج ها در مناطق روستایی و کمتر توسعه یافته رقم می خورد، ادامه می دهد؛ از آنجا که در جامعه ما از یک سو با سپری شدن سن خاصی برای دختران، خانواده ها نگران ازدواج دیر هنگام آنان می شوند و از سوی دیگر جوانان مناطق روستایی برای اشتغال، روستاها را به مقصد شهر ترک می کنند، دختران به نخستین فردی که تقاضای ازدواج کند پاسخ مثبت می دهند و ایرانی یا غیرایرانی بودن مرد، تفاوتی برای آنان ندارد (نشریه دانشکده حقوق شهید بهشتی، ۱۳۵۶: ۴۲).

همچنین بی هویتی مانع تحصیل، اشتغال و بسیاری دیگر از امور زندگی آنان می شود؛ از آنجا که فرزندان بی هویت حاصل از این ازدواج ها در قالب قانونی قادر به اشتغال و زندگی نیستند، به بزهکاری روی می آورند و تهدیدی برای کشور محسوب می شوند (نشریه دانشکده حقوق شهید بهشتی، ۱۳۵۶: ۴۲).

طبق آمار و تحقیقات انجام شده، بحران هویت در فرزندان نتیجه این قبیل ازدواج ها و مشکلات حاصل از آن، ارتباط معناداری با بزهکاری اجتماعی دارد و افراد اجتماع پذیر به طور معمول شهروندانی خوب و دارای ثبات شخصیتی هستند؛ اما در فرزندان حاصل از ازدواج غیرقانونی اتباع غیرمجاز با زنان ایرانی، شخصیت کودک به طور کامل شکل نمی گیرد و به دلیل فقدان هویت و نگاه نامناسب جامعه به آنان، جامعه پذیری این فرزندان هم دچار مشکل می شود. همچنین بی هویتی مانع تحصیل، اشتغال و بسیاری دیگر از امور زندگی آنان می شود؛ از آنجا که فرزندان بی هویت حاصل از این ازدواج ها در قالب قانونی قادر به اشتغال و زندگی نیستند، به بزهکاری روی می آورند و تهدیدی برای کشور محسوب می شوند. (نشریه دانشکده حقوق شهید بهشتی، ۱۳۵۶: ۴۲).

موضوع دیگری که در خصوص این ازدواج‌ها باید مد نظر قرار گیرد آن است که مردان تبعه کشورهای خارجی با پایان یافتن مدت و شرایط اقامت، باید به کشور خود بازگردند و زن ایرانی نیز به تبعیت از همسر خود ملزم به مهاجرت به کشور متبوع همسر خود است که طبق بررسی‌های میدانی، زن ایرانی و خانواده وی در جریان این مهاجرت‌ها با مشکلات عدیده مواجه می‌شود. (همان).

طبق تبصره ۲ ماده ۹۸۷ قانون مدنی، زن ایرانی پس از ازدواج با تبعه خارجی محدودیت‌های مالی خواهد داشت و مالکیت اموال غیرمنقول جز آنچه در زمان ازدواج داشته برای وی امکان‌پذیر نیست.

۲-۱-۱- کودکان بی هویت و بی تابعیت

تابعیت رابطه سیاسی و معنوی است که شخصی را به دولت معینی مرتبط می‌کند. این رابطه از جهتی سیاسی است زیرا که ناشی از قدرت و حاکمیت دولتی است که فردی را از خودش می‌داند و از جهت دیگری معنوی است زیرا که مربوط به مکانی نیست که شخص در آنجا سکونت دارد. ایرانی هر جای دنیا که سکونت گزیند ایرانی است و همیشه رابطه خود را با کشورش حفظ می‌کند و به عبارت دیگر یک ارتباط معنوی بین او و کشوری که او را از خود می‌داند موجود است. کسی که دارای تابعیت کشور معینی است، او را تبعه می‌خوانند، بنابراین تبعه فردی است که تابعیت کشور معینی را دارد و اگر شخص تابعیت هیچ کشوری را نداشته باشد به او آپاتریدگویند. لزوم داشتن تابعیت یک اصل حقوقی مسلم و قابل قبول در تمام سیستم‌های حقوقی دنیا است، بنابراین به محض تولد طفل تابعیت کشور معینی به او تحمیل می‌شود. از این جهت کلمه «تحمیل» به کار برده شده که طفلی که به دنیا می‌آید درواقع اختیاری برای انتخاب کشور به خصوص ندارد بلکه این رابطه (تابعیت) بر اثر ضوابط خاص و قوانین مخصوص برقرار می‌شود (عبادی، ۱۳۸۹: ۱۱۹).

داشتن هویت یکی از حقوق مسلم کودکان است. برخی کودکان به دلایل مختلف فاقد شناسنامه بوده و به همین دلیل با مشکلات بسیاری مواجه هستند.

عنصر قانونی جرم که ماده ۲ قانون تخلفات، جرایم و مجازات‌های مربوط به اسناد سجلی و شناسنامه عنوان شده است، مقرر می‌کند: (اشخاص زیر به حبس از ۹۱ روز تا یک سال و یا به پرداخت جزای نقدی از ۲۰۰۰۰۰ ریال تا ۱۰۰۰۰۰۰ ریال و یا به هر دو مجازات محکوم می‌شوند):

- الف - اشخاصی که در اعلام ولادت یا وفات یا هویت بر خلاف واقع اظهار می‌کنند .
- ب - اشخاصی که عالماً عامداً پس از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام از شناسنامه مکرر استفاده کرده یا به دریافت شناسنامه مکرر برای خود یا مولی‌علیه و یا به دریافت شناسنامه موهوم مبادرت کنند و یا از شناسنامه دیگری خواه صاحب آن زنده یا مرده باشد به نام هویت خود استفاده کنند. افرادی که شناسنامه خود را در اختیار استفاده‌کنندگان فوق قرار دهند، به همان مجازات محکوم می‌شوند .
- ج - ماما یا پزشکی که در مورد ولادت یا وفات گواهی خلاف واقع صادر کند .
- د - اشخاصی که در مورد ولادت یا وفات شهادت دروغ بدهند و شهادت آنان در تنظیم دفتر ثبت کل وقایع و یا وفات موثر واقع شود .

تبصره: در کلیه موارد مذکور در فوق، مرتکب در صورت تکرار به حداکثر مجازات مقرر محکوم خواهد شد.

((همچنین طبق این قانون اگر اشخاصی با داشتن شناسنامه اقدام به اخذ شناسنامه المثنی کنند، به پرداخت جزای نقدی به همان میزان بالا محکوم می‌شوند)). در ضمن مهر کردن غیرمجاز شناسنامه‌های معتبر توسط اشخاص طبق این قانون جرم محسوب می‌شود. (قانون ثبت احوال، ۱۳۵۵: ۴۱).

۲-۱-۲- دلایل افزایش کودکان بی هویت در ایران

مادرانی که تن به ازدواج با اتباع بیگانه می‌دهند از داشتن یارانه، بیمه و هر گونه حق و حقوقی بازمانده و دست‌شان کوتاه است و کودکانی همچون سرنوشت خویش به دنیا می‌آورند تا این سیکل معیوب بر مدار تکرار در استان‌های مرزی کشور باقی بماند.

البته قانونگذار مجازاتی را در نظر گرفته است. ماده ۵۰ - افراد بیگانه که قبل از احراز تابعیت ایرانی به منظور ایرانی قلمداد کردن خود موجب تنظیم اسناد سجلی یا دریافت شناسنامه شوند به حبس جنحه‌ای از سه ماه تا یک سال محکوم خواهند شد. (قانون ثبت احوال، ۱۳۵۵: ۳۸).

در این بین بخش دیگری از کودکان بی‌هویت حاصل آسیب‌های اجتماعی هستند که حضورشان ریشه در عوامل گوناگونی چون مهاجرت، بیکاری والدین، اعتیاد، بزهکاری والدین و... دارد. کودکانی که در حاشیه شهرها یا مناطق فقیرنشین متولد می‌شوند و والدین‌شان اهمیتی به زندگی آنها نمی‌دهند و گرفتن شناسنامه برای کودکان دغدغه این خانواده نبوده و نیست، به همین دلیل در شهر بزرگ و پیشرفته‌ای چون تهران ۴ هزار کودک بی‌هویت در حال بزرگ‌شدن هستند. (کاظم زاده، ۱۳۸۹: ۲۱).

بخش دیگری از مشکل نیز کودکان حاصل از ازدواج موقت هستند که در این مورد نیز خانواده‌های ضعیف چه از نظر اقتصادی و چه فرهنگی تلاشی برای حل مشکل کودکان خود ندارند. هرچند قانونگذار تولد کودک در ازدواج موقت را جزو عوامل الزام‌آور برای ثبت ازدواج قرار داده اما برای برخی زنان امکان پیگیری حقوقی این مسأله وجود ندارد و خود و فرزندان‌شان با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو هستند. (همان).

هرچند گمان می‌رفت کودکان بی‌هویت، بدون شناسنامه در استان‌های مرزی به حکم همجواری با کشورهای همسایه حضور پررنگ‌تری از شهرهای بزرگ داشته باشند اما اکنون وضع کودکان بی‌هویت در تهران در مرز هشدار قرار دارد و یافتن راهکاری برای سروسامان دادن به این کودکان و تلاش برای کاهش تعداد آنها باید در اولویت قرار بگیرد (تدین، ۱۳۹۲: ۳۹).

۲-۲- راهکارهای نجات برخی از کودکان بی‌تابعیت

ازجمله راهکارهایی که می‌توان در بهبود وضع کودکان بی‌تابعیت انجام داد، فرهنگ‌سازی و انجام کارهای فرهنگی توسط نهاد متولی^۵ نظیر کمیته امداد امام خمینی، بهزیستی و... موجب شده است که تمامی دستگاه‌های مربوطه از زیر بار مسئولیت شانه خالی کنند. اگر ما دستگاه مشخصی برای کودکان داشته باشیم که مجبور به پاسخگویی باشد، بخشی از مشکلات حل خواهد شد، باید بیان داشت که مشکل اساسی از همین موضوع نشأت می‌گیرد، زیرا تعدد دستگاه‌ها که در قانون‌های مختلف در نظر گرفته شده جز موازی‌کاری و بی‌نتیجه ماندن اقدامات تاکنون حاصلی نداشته است.

۲-۲-۱- برخورد قانونی و آگاه‌سازی زنان

جامعه‌شناسان هشدار می‌دهند از نظر تابعیت، حداکثر مردان خارجی ازدواج کرده با زنان ایرانی را مردان تبعه افغانی و سپس اتباع عراقی تشکیل می‌دهند.^۶ آنان بر این باورند که وجود بحران‌های اجتماعی و سیاسی در این کشورها و بازبودن درهای کشور روی مهاجران و آوارگان از عوامل عمده مهاجرت وسیع و گسترده این افراد به کشورمان بوده که متأسفانه به علت تداوم بحران در کشورهای مبدأ، فراهم بودن شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در ایران، حضور مهاجران در کشور تداوم پیدا کرده و زنان ایرانی به گمان رسیدن به آرزوهای واهی، تن به ازدواج با این افراد می‌دهند.^۷

چنانچه زنان ایرانی بدون رعایت قوانین، مقررات مربوطه و مشاوره‌های حقوقی اقدام به ازدواج با اتباع بیگانه کنند، برخی مشکلات حقوقی از جمله نبود ضمانت اجرای قانونی و رسمی تعهدات برای پایبندی زوج به ادامه زندگی و نیز بلاتکلیفی وضع هویتی فرزندان آنان به وجود خواهد آمد، چراکه در قوانین فعلی یکی از شروط اصلی دریافت شناسنامه برای فرزندان متولد از مادران ایرانی و پدران خارجی، ثبت ازدواج والدین آنهاست. (ابراهیمی، ۱۳۷۷: ۶۵).

۲-۳- راهکارهای ممانعت از بی‌تابعتی

۲-۳-۱- جلوگیری از سلب تابعیت

دولت‌ها با اعمال مجازات سلب تابعیت موجب افزایش بی‌تابعتی شده و یک وضعیت غیر عادی را در سطح بین‌المللی ایجاد می‌کنند. برای جلوگیری از این امر کلیه دولت‌ها باید از سلب تابعیت به عنوان مجازات خودداری کرده و به جای سلب تابعیت، کيفرهای مناسب دیگری را درباره تبعه خود مقرر کنند.^۸ یکی از دلایلی که کشور ما نیز ماده ۹۸۱ قانون مدنی را که سلب تابعیت را به عنوان مجازات در نظر گرفته بود حذف کرد جلوگیری از بی‌تابعتی بوده است. (آل کجفاف، ۱۳۹۰: ۹۵).

۲-۳-۲- جلوگیری از مهاجرت و پناهندگی

یکی از راههای جلوگیری از بی‌تابعتی جلوگیری از مهاجرت و پناهندگی است. البته در مورد افراد پناهنده‌ای که وطنشان را ترک گفته و دیگر قصد و علاقه‌ای به بازگشت به کشور خود را ندارند، سلب تابعیت از آن‌ها عاقلانه به نظر می‌رسد بعلاوه بی‌تابعتی که از آن حاصل می‌شود با گذشت یکی دو نسل، با اعمال سیستم خاک رفع می‌شود.

^۵ - <http://www.bartarinha.ir/fa/news/413782>.

^۶ - <http://namnak.com/p11214>

^۷ - <https://www.mehrnews.com/news/3845731>

^۸ - <http://www.yjc.ir/fa/news/4720740/>.

۲-۳-۳- حاکمیت سیستمهای خون و خاک

کشورها بنا به مصالح خود معمولاً یکی از سیستمهای خون یا خاک را اعمال می‌نمایند که در مواردی منجر به بی‌تابی می‌گردد؛ بنابر این برای آن‌که از یک طرف بی‌تابی زیاد نشود و از طرف دیگر منافع کشورها در نظر گرفته شود، کشورها عموماً سیستم خون و سیستم خاک هر دو را پذیرفته‌اند. این روشی است که دولت‌ها نیز از آن تبعیت کرده‌اند. بند ۲ ماده ۹۷۶ قانون مدنی بیان داشته کسانی که پدر آنها ایرانی است اعم از این که در ایران یا در خارجه متولد شده باشند تبعه ایران محسوب می‌شوند. (سیستم خون). بند ۳ و ۴ همان ماده نیز بیان داشته کسانی که در ایران متولد شده و پدر و مادر آنها معلوم نباشد و یا کسانی که در ایران از پدر و مادر خارجی که یکی از آنها در ایران متولد شده به وجود آمده‌اند ایران محسوب می‌گردند.^۹

۴-۲- قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی

تبصره نخست قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی (مصوب سال ۸۵) تاکید کرده است "چنانچه سن مشمولان این ماده در زمان تصویب بیش از ۱۸ سال تمام باشد باید حداکثر ظرف یک سال اقدام به تقاضای تابعیت ایرانی کنند". در تبصره دوم آن نیز آمده است «از تاریخ تصویب این قانون کسانی که در اثر ازدواج زن ایرانی و مرد خارجی در ایران متولد شوند و ازدواج والدین آنان از ابتدا با رعایت ماده (۱۰۶۰) قانون مدنی به ثبت رسیده باشد، پس از رسیدن به سن ۱۸ سال تمام و حداکثر ظرف مدت یک سال، بدون رعایت شرط سکونت مندرج در ماده (۹۷۹) قانون مدنی به تابعیت ایران پذیرفته می‌شوند». (حجتی اشرفی، ۱۳۹۰: ۱۴۸).

مصوبه اخیر کمیسیون فرهنگی مجلس مبنی بر اینکه فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی از این پس می‌توانند تابعیت ایران را دریافت کنند، بی‌شک گام مثبتی برای رفع مشکلات در این زمینه است. طبق تصویب «اصلاح قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی» فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی برای کسب تابعیت ایرانی دیگر نیاز به سلب تابعیت پیشین خود از طریق پدر را ندارند.

در حال حاضر فرزندان حاصل از ازدواج زن ایرانی با مرد خارجی بعد از ۱۸ سالگی، می‌توانند با اقامت یک‌ساله در ایران تابعیت کشور مادر خود را کسب کنند و صاحب شناسنامه شوند. در این زمینه مشکل اصلی پیش از تصویب این طرح این بود که کودکان زنان ایرانی باید تابعیت گذشته را ملغی کرده و ضمن بازگشت به کشور پذیرنده تابعیت پدری خود را رد می‌کردند. عمده این افراد از کشورهای همسایه مرزی وارد کشور شده و با زنانی از خانواده‌های بی‌بضاعت و فقیر ازدواج کردند که حاصل چنین ازدواج‌هایی فرزندان فاقد شناسنامه و بدون اسناد هویتی است. بی‌شناسنامه‌ها در تمامی شهرها و استان‌های کشور به ویژه استان‌های مرزی حضور دارند و به دلیل آنکه نسل‌های بعدی نیز از اسناد هویتی بی‌بهره هستند با آسیب‌های اجتماعی مواجه می‌شوند به گونه‌ای که دختران در سن ازدواج بی‌شناسنامه مجبور هستند مانند خود با بی‌شناسنامه‌ها ازدواج کنند که حاصل چنین ازدواجی تولد کودکان فاقد شناسنامه است. تعداد این افراد به شدت رو به افزایش بوده است. افراد بدون شناسنامه به دلیل نداشتن اسناد سجلی از حقوق شهروندی مانند یارانه، بیمه و ... محرومند. (سید فاطمی، ۱۳۹۰).

ثبت رسمی ازدواج زنان ایرانی با اتباع این دو کشور از دیگر مشکلات قانون موجود تابعیت است. گفته می‌شود ۹۹ درصد ازدواج زنان ایرانی با مردان افغان غیررسمی و فاقد ثبت رسمی است. اصلاحیه قانون موجود تابعیت قطعاً می‌تواند کودکان را از بلاتکلیفی و بی‌شناسنامه‌گی درآورده و ساماندهی کند. گروهی این اقدام را یک مشکل امنیتی برای کشور در آینده می‌دانند اما موافقین این طرح نیز مدعی‌اند بلاتکلیفی و بی‌شناسنامه‌بودن حدود ۳۰۰ هزار کودک حاصل از این ازدواج‌ها درد امنیتی بزرگ‌تری است. شواهد نشان می‌دهد ایران پذیرای دست‌کم سه میلیون مهاجر افغان بوده که کمتر از سه درصد این جمعیت در کمپ‌ها زندگی می‌کنند و ۹۷ درصدشان در بخش‌های مختلف کشور در میان ایرانیان ساکنند. بالطبع ازدواج اتباع دو کشور امری طبیعی بوده و لازم است برای فرزندان اینگونه ازدواج‌ها فکر جدی شود. از دیگر اقدامات مثبت ایران در سال‌های اخیر برای حدود سه میلیون مهاجر در کشور تلاش برای ارایه خدمات بیشتر به آنها است که در سال‌های اخیر گام‌هایی اگرچه کند برای آنها برداشته شده است. به گفته مدیرکل امور اتباع و مهاجران خارجی وزارت کشور سه اولویت اساسی در قبال مهاجران خارجی در دستور کار قرار دارد، موضوع اول بهداشت و سلامت مهاجران است که در این راستا تمام ۳ میلیون مهاجر از خدمات بهداشتی و درمانی بهره‌مند می‌شوند. حدود ۱۱۳ هزار نفر از مهاجران و اتباع خارجی با کمک سازمان ملل تحت پوشش بیمه رایگان سلامت قرار گرفته‌اند. در دو سال گذشته شرایط تحصیل برای همه فرزندان مهاجران فراهم شده است. ۸۰ هزار فرزند اتباع غیرمجاز خارجی در مدارس ثبت نام و به آنها خدمات تحصیلی ارایه می‌شود. مجموعاً ۳۳۰ هزار فرزند اتباع

^۹- <http://pajoohe.ir/-apartide-a-43629>

خارجی در کنار دانش‌آموزان ایرانی مشغول تحصیل هستند که البته برای تحصیل چنین دانش‌آموزانی نیاز به ایجاد ۲۲۰ مدرسه وجود دارد. عمده مهاجران غیرمجاز از شرایط اقتصادی مطلوبی برخوردار نیستند و معیشت آنها از موضوعات بسیار مهمی است که باید مورد توجه بیشتری قرار دارد.^{۱۰}

۲-۵- تصویب طرح «اصلاح قانون تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی» در کمیسیون فرهنگی

شهریور ماه سال ۱۳۸۵، نمایندگان مجلس، طرح یک‌فوریتی "اعطای تابعیت به فرزندان مادر ایرانی" را تصویب کردند. این طرح توسط رضا شیران‌خراسانی^{۱۱}، مطرح شده بود و مورد توجه نمایندگان قرار گرفت. طرحی که یک‌فوریت آن تصویب می‌شود، باید باید حداکثر ظرف ۴۵ روز در کمیسیون مربوطه بررسی و به صحن علنی مجلس ارائه شود اما به دلیل بوروکراسی اداری حاکم، این روند طولانی‌تر شد. بر اساس این مصوبه، فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی برای کسب تابعیت ایرانی دیگر نیازی به سلب تابعیت پیشین خود از طریق پدر را ندارند. (امامی، ۱۳۷۶: ۱۲۶).

باید توجه داشت که به دلیل ورود غیرقانونی و عدم طی مسیر قانونی ثبت ازدواج است که تابعیت چنین فرزندان مشخص نیست و نه عدم قانون خاص در این مورد در هر صورت قانون‌گذار بهتر است که به غیرقانونی بودن این ازدواج‌ها و غیرقانونی بودن حضور این افراد در جامعه توجه کند و برای اصلاح این امرقانونی مناسب تدوین کند تا معلول این مشکلات که همان بی‌تابعیتی این فرزندان باشد نیز برطرف می‌گردد.^{۱۲}

۲-۶- صدور کارت "هویت" برای کودکان دارای مادر ایرانی و پدر خارجی

این خبر کوتاه است و خوشحال‌کننده؛ برای همه زنانی که به هر دلیلی با مردان خارجی ازدواج کرده‌اند، گامی به جلو محسوب می‌شود؛ بچه‌های بی‌شناسنامه حاصل از این ازدواج، قرار است سروسامان بگیرند و حتی شناسنامه داشته باشند؛ مسئله‌ای که در زندگی آنها همیشه لاینحل بوده و انگار کلاف سردرگم درمان می‌شود. (میدری، ۱۳۹۵: ۲). مسئله صدور کارت هویت، شناسنامه و همچنین کارت سلامت برای کودکان زنان ایرانی دارای همسر خارجی، در کمیسیون لوایح دولت به تصویب رسید و امیدواریم این لایحه به‌زودی در هیئت وزیران نیز تصویب شود.^{۱۳} در پایان برای رفع این مشکلات، مجلس با ایجاد طرح و دولت با ارائه لایحه به مجلس و نهادهای تخصصی با اقدامات موثر جهت رفع مشکلات بی‌تابعیتی و بهبود وضعیت این کودکان گام قابل توجهی برداشته اند.

۲-۷- اقدامات انجام شده توسط دولت ایران

مسیر رسیدگی به مساله این زنان و فرزندان از اداره حقوقی قوه قضاییه در سال ۷۵ و بار دیگر در سال ۸۰ آغاز می‌شود که در ابتدا این اداره اعلام کرده بود که اجرای بند ۴ قانون مدنی برای فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان غیرایرانی فاقد اشکال است و این افراد ایرانی محسوب می‌شوند و می‌توان به اینان شناسنامه داد، اما ماده واحده سال ۱۳۸۵ کار را سخت‌تر کرد. ابتدا نمایندگان مجلس در سال ۱۳۸۵ با حسن ظن می‌خواستند مسئله را حل کنند. در طرح اولیه هم درخواست تابعیت از بدو تولد تا سن ۱۸ سالگی بود، اما نیروهای مخالفی وجود داشتند که باعث تصویب ماده واحده‌ای شد که درخواست تابعیت را به بعد از ۱۸ سالگی موکول کرد و باعث آسیب‌های اجتماعی بسیار بزرگی در چند سال اخیر شد. بلافاصله بعد از تصویب آن ماده واحده خیلی‌ها متوجه آسیب‌زا بودن آن شدند.

در نهایت نمایندگان در سال ۱۳۹۱ طرحی را مصوب کردند که حداقل این کودکان تا سن ۱۸ سالگی محروم از تحصیل، حقوق شهروندی، حق بهداشت و حق درمان نبوده و برای تمدید سالانه‌ی اقامتشان در ایران تا سن ۱۸ سالگی مجبور به پرداخت هزینه نباشند. این در حالیست که در ماده واحده سال ۱۳۸۵، کودکان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی به جز «حق اقامت» هیچ حق دیگری برای زندگی در ایران نداشتند لذا طرح سال ۹۱ یک گام روبه‌جلو برای کاهش آسیب‌های اجتماعی - اقتصادی بود، ولی شورای نگهبان به دلیل بار مالی برای دولت این طرح را تصویب نکرد.

^{۱۰} - <http://www.isna.ir/news/96042413606>

۱۱ - شیران خراسانی، رضا، نماینده مردم مشهد در دوره دهم مجلس شورای اسلامی ایران.

^{۱۲} - <http://mehrkhane.com/fa/news/35076>

^{۱۳} - <http://afghanistanema.Com/7483html>: 406385

اگرچه سال‌ها از مطرح شدن موضوع اعطای تابعیت به فرزندان این زنان می‌گذرد و در این لایحه جدید آمده است: «به فرزندان حاصل از ازدواج‌های فراملی در خاک ایران تابعیت داده شود و حتی آن‌هایی که متولد ایران نیستند به شرط اینکه بتوانند به زبان فارسی تکلم کنند، تابعیت ایران داده شود».

در نهایت وزیر تعاون کار و رفاه اجتماعی ۱۳ آبان ماه از تصویب پیش نویس لایحه قانونی «تعیین تکلیف تابعیت فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی» خبر داد. براساس این لایحه که در هیئت دولت تصویب شده، فرزندان حاصل از ازدواج زنان ایرانی با مردان خارجی می‌توانند به تقاضای مادر ایرانی خود به تابعیت ایرانی درآیند. تصویب این لایحه اقدامی با اهمیت برای برخورداری این کودکان از حقوق اجتماعی، حق اقامت پایدار آنها، رفع تبعیض بین این کودکان و سایرین، افزایش علقه این افراد و سرزمین مادری است. این کودکان معمولاً در شرایط فقر بسر می‌برند، دارای مشکلات معیشتی هستند و در معرض انواع آسیب‌های اجتماعی قرار دارند. تصویب این لایحه زمینه‌ای مناسب را فراهم خواهد کرد که با همکاری و انسجام دستگاه‌های مسئول و همراهی فعالین مدنی و سازمان‌های مردم‌نهاد، وضعیت این گروه از کودکان سرزمین ما بهتر شود^{۱۴}.

رئیس کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس نیز از بررسی اولویت‌دار لایحه اعطای تابعیت به فرزندان زنان ایرانی و مردان خارجی خبر داد و از آنجا که کمیسیون یک بار چنین طرحی را بررسی و تهیه کرده است، در دستور کار خود به صورت اولویت‌دار قرار می‌دهد. باید افزود که این مصوبه به صورت لایحه جهت اصلاح قانون فعلی به مجلس می‌رود و پس از تصویب نمایندگان مجلس و تایید شورای نگهبان می‌تواند به صورت قانون اجرا شود.

به گزارش ایسنا، اگرچه نزدیک ۱۷ سال از روزی می‌گذرد که موضوع اعطای تابعیت به فرزندان زنان ایرانی و مردان خارجی در مجلس مطرح شده است، اما باید دید مجلس این بار چگونه برای برداشتن این بار از دوش زنان و فرزندان‌شان گام برمی‌دارد.

¹⁴- [http:// www.isna.ir/new/](http://www.isna.ir/new/).

نتیجه گیری

یکی از مهم ترین اصل در زندگی هر فرد داشتن هویت می باشد ولی متأسفانه در کشورمان با معضل کودکان بی هویت مواجه و در حالیکه مادر آنها ایرانی و در ایران زندگی می کنند ولی هویت و تابعیت ایرانی نداشته و از بسیاری حقوق محروم هستند. با تأکید بر اینکه با ارائه کارت هویت، شناسنامه و کارت سلامت به کودکان زنان ایرانی دارای همسر خارجی بخش عمده ای از مشکلات این کودکان و مادران آنها رفع می شود، مشکل عمده ای که این زنان با آن مواجه هستند رها شدن توسط همسرانشان است که باعث شده با مشکلات متعددی به ویژه مشکلات معیشتی روبرو شوند این در حالی است که اگر اسناد هویتی به کودکان آنها اختصاص یابد بخش عمده ای از مشکلات آنها مرتفع خواهد شد. کودکان بی هویت از امکانات دولتی و عمومی محروم هستند، این کودکان در آینده تهدیدی جدی برای امنیت کشور محسوب می شوند بنابراین نیاز است بهره مندی آنها از اسناد هویتی در دستور کار دولت قرار گیرد.

کودکان حاصل از ازدواج زن ایرانی با مرد خارجی با مشکلات عدیده ای در زمینه هویت و تابعیت و همچنین بهره مندی از حقوق شهروندی در جامعه مواجه هستند. طبق ماده ۹۸۷ قانون مدنی، زن ایرانی مجاز به ازدواج با تبعه خارجی بوده و با وقوع این امر، آثار حقوقی متعددی نیز بر احوال شخصیه وی مترتب می گردد. در اثر ازدواج زن ایرانی با تبعه فوق، تابعیت ایرانی نامبرده به قوت خود باقی خواهد ماند مگر آنکه طبق قانون دولت متبوع شوهر، تابعیت این کشور به واسطه وقوع عقد به زوجه تحمیل گردد. با این وجود متعاقب فوت شوهر و مبایعته تفریق مابین، با تقدیم درخواست به وزارت امور خارجه به انضمام ورقه تصدیق فوت شوهر با سند جدایی و متارکه، تابعیت نخستین (ایرانی) زن با کلیه حقوق و امتیازات مربوطه مجدداً به او تعلق خواهد گرفت.

بنابراین پیگیری و رفع مشکلات هویتی کودکان مذکور از تمامی جوانب برای کشور حائز اهمیت است. حل این معضل تنها با همکاری مسئولین مربوطه، از قبیل: نمایندگان مجلس، حقوقدانان برجسته، اساتید مجرب و دستگاههای مرتبط از جمله: سازمان ثبت احوال، وزارت امور خارجه، وزارت کار، سازمان بهزیستی و غیره، صورت خواهد گرفت.

توسعه اصل خون به مادران ایرانی، مانع از پیدایش پدیده ای به نام کودکان بدون مدارک شناسایی و هویتی شود. چنین ترتیبی با اصول ۴۱ و ۴۲ قانون اساسی نیز موافق به نظر می رسد. با اینکه نزدیک ۱۷ سال از این موضوع می گذرد، در نهایت موضوع اعطای تابعیت به فرزندان دارای مادر ایرانی و پدر خارجی با پیگیری نهادهای فوق الذکر طی لایحه ای دوباره به مجلس ارائه شد و در ۱۳ آبان ۱۳۹۷ به تصویب شد و فرزندان به تقاضای مادر ایرانی خود می توانند به تابعیت ایران در آیند و آنها نیز همانند دیگر هموطنان از حقوق و مزایای شهروندی بهره مند شوند.

فهرست منابع و مآخذ

- آل کجیاف، حسین، (۱۳۹۶)، حقوق بین المللی خصوص (۱)، دانشگاه پیام نور، ۱۳۹۶.
- ارفع نیا، بهشید، (۱۳۷۸)، حقوق بین الملل خصوصی، انتشارات بهتاب، جلد سوم، ۱۳۷۸.
- امامی، حسن، (۱۳۷۶)، حقوق مدنی، کتاب فروشی اسلامی، جلد دوم، ۱۳۷۶.
- تابعیت زن در اثر ازدواج، (۱۳۵۶)، نشریه دانشکده حقوق شهید بهشتی، تهران، خرداد، ۱۳۵۶.
- تدوین، عباس، (۱۳۹۷)، استاد دانشگاه و حقوقدان، در پاسخ به خبرنگار روزنامه شهروند.
- حجتی اشرفی، غلامرضا، (۱۳۹۰)، قانون مدنی، ۱۳۹۰.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۷۸)، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، انتشارات گنج دانش، ج اول، ۱۳۷۸.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر، (۱۳۵۶)، حقوق ثبت، ویرایش ۲، ۱۳۵۶.
- سعیدی نژاد، محدثه، (۱۳۹۲)، عواقب ازدواج زنان ایرانی با اتباع بیگانه، خبرگزاری فارس، ۱۳۹۲.
- سلجوقی، محمد، (۱۳۹۵)، حقوق بین الملل خصوصی، نشر میزان، چاپ سیزدهم، ۱۳۹۵.
- شهری، غلامرضا و دیگران، (۱۳۸۴)، مجموعه تنقیح شده قوانین و مقررات حقوقی، انتشارات روزنامه رسمی کشور، جلد اول، ۱۳۸۴.
- عبادی، شیرین، (۱۳۸۹)، حقوق کودک: نگاهی به مسائل حقوقی کودکان در ایران، نشر روشنگران، چاپ هشتم، تهران، ۱۳۸۹.
- قاری سید فاطمی، (۱۳۹۰)، سید محمد، حقوق بشر در جهان معاصر (دفتر یکم)، تهران، شهر دانش، ۱۳۹۰.
- کاظم زاده، علی، (۱۳۸۲)، تفاوت حقوق زن و مرد، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۲.
- گلدوزیان، ایرج، (۱۳۸۹)، محشای قانون مجازات اسلامی، نشر مجدف تهران، چاپ سیزدهم، ۱۳۸۹.
- الماسی، نجاد علی، (۱۳۷۰)، تعارض قوانین، انتشارات مرکز دانشگاهی، جلد دوم، ۱۳۷۰.
- مجموعه مقالات دفاع از حقوق زنان، (۱۳۸۰)، دفتر مطالعات و تحقیقات، انتشارات طه، قم، جلد اول، ۱۳۸۰.
- منصور، جهانگیر، (۱۳۸۸)، قوانین و مقررات ثبتی، نشر دیدار، چاپ ۲۲، تهران، ۱۳۸۸.
- منصور، جهانگیر، (۱۳۹۳)، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، انتشارات دوران، چاپ اول، ۱۳۹۳.
- میدری، احمد، (۱۳۹۷)، اقتصادان ایرانی و نماینده مجلس شورای اسلامی ایران، معاون وزیر دفاع، (درهمایش تقدیر از شهین مولاوردی)، به نقل از روزنامه شرق.
- نصیری، محمد، (۱۳۴۳)، حقوق بین الملل خصوصی، انتشارات آگاه، جلد اول، ۱۳۴۳.

<http://mehrkhane.com/fa/news/35076>
<http://namnak.com/p11214>
<http://pajoohe.ir/-Apatride-a-43629.aspx>
<http://pajoohe.ir/-apartide-a-43629>
<http://www.bartarinha.ir/fa/news/413782>
<http://www.hvm.ir/DetailNews.aspx?id=34337>
<http://www.isna.ir/news/96042413606>
<http://www.ksymg.com/conclusion-apartide/>
<http://www.yjc.ir/fa/news/4726166/>
<https://www.linkedin.com/pulse>
<https://www.mehrnews.com/news/3034379>
<https://www.mehrnews.com/news/3845731>
<http://www.isna.ir/new/>
<http://behdashtnews.ir/fa/news-details/7663>
<http://iran.ir/fa/news/82668235Top>
<http://www.ksymg.com/conclusion-apartide/>
<https://www.tasnimnews.com/fa/news/1396/02/04/1388101>
<http://afghanistanema.Com/7483html:406385>